

# زخمه‌های افسونگری

در بحبوحه هجومه موسیقی های سخیف و مطرح شدن افرادی مانند ساسی مانکن و... نگاهی انداخته ایم به سبک زندگی استادان موسیقی مقامی که این هنر اصیل با زندگی شان گره خورده است



مهدیس مرادیان اروزنامه‌نگار

از موسیقی مقامی در کتاب لغت موسیقی نوشته افراسیاب بیگدلی به عنوان بالاترین مرحله خلاقیت در ترکیب ساز و آواز یاد شده است. این موسیقی یادگاری از فرهنگ کهن مشرق زمین است که از دل تاریخ زاییده شده و باطن آن از قید هر مرز جغرافیایی رهاست. گنجینه ارزشمند این نغمه ها که عمر برخی شان به عهد باستان می رسد و سینه به سینه صیقل خورده و از تحریف اعصار مصون مانده است و امدار حضور استادان موسیقی مقامی است. این بزرگان در هر ناحیه به نام های خاصی از جمله «اشیق، عاشیق» «بخشی» «دوتاری» و... شناخته می شوند. در پرونده امروز زندگی سلام قصد داریم به مدد یکی از پژوهشگران توانمند این عرصه، با حال و هوا و سبک زندگی آدم های موفق در این حوزه بیشتر آشنا شویم. همراه ما باشید.

## نگرانی برای

## ذائقه موسیقایی

## نسل های جدید

موسیقی مقامی ابزاری است برای بیان حکمت و

تقویت روح، اما در این بازار پرزرق و برق موسیقی های

سخیف، ذائقه خیلی ها چنان نازل شده که از این هنر

ناب روی گردان هستند

بسیاری از مانگران ذائقه اطر افیان به ویژه نوجوانان مان هستیم، نگرانیم نکند ترانه های سخیف و سطحی، پر از الفاظ بی ارزش، با ادبیاتی که در مواردی فاجعه است، از آدم هایی بدون دغدغه یا سرشار از دغدغه های پوچ و سطحی مثل ساسی مانکن و... یا موزیک های به اصطلاح ماشینی باریتم تند، بدون حرف حساب و... چنان در روح و روان نوجوانانی که مخاطب شان هستند سوخ کند که دیگر محتوای بارزش با ذائقه آن ها سازگاری نداشته باشد و اثر پر محتوای پس بزنند. اگر بخواهیم کار بارزش جای موسیقی تیتراژهای ضعیف را در انتخاب های نسل های جدید بگیرد، اگر بخواهیم نوجوانان بداندن ذهن مزرعه ای است که نباید هر چیزی در آن کاشته شود و علف های هرز می تواند جای جوانه های پرفایده اتنگ کند، باید برای شان هویت سازی کنیم. باید به آن ها یاددهیم که هنر بخش مهمی از زندگی است و زبانی است برای بیان دغدغه ها، هنر هنرمند باید برآمده از سبک زندگی و دغدغه هایش باشد و محتوای اثر را باید نیازهای روحی مخاطب تعیین کننده بازار. موسیقی مقامی یکی از گزینه های هویت ساز است که متأسفانه در جامعه ما مهجور مانده و به حش نرسیده چون درست معرفی نشده. اهالی این هنر، موسیقی را به عنوان ابزاری برای بیان رازها و جنبه های معنوی زندگی انتخاب کرده اند و هنر شان ادامه زندگی شان است. بین سبک زندگی آن ها و هنر شان فاصله ای نیست. حرف دلشان را بر ساز جاری می کنند و برای همین هم بر دل می نشیند و چه تلخ است در زمانی که آن ها زیسته اند و حکمت را بهتر به مردم عرضه کرده اند؛

که

ضد ارزش،

ضد زندگی و ضد اخلاق

می شود انتخاب برخی نوجوانان

در موسیقی. البته نمی توان به

نسل های جدید بابت این انتخاب

خرده گرفت، مشکل این جاست که

ذائقه سازی نکرده ایم، آدم های درست

را معرفی نکرده ایم، و بعد که در هیاهوی

پرزرق و برق موسیقی های سخیف، ذائقه

نوجوانان نازل می شود نگران می شویم.

این پرونده تلاشی است کوچک

در این زمینه.

## موسیقی مقامی از دل جامعه می جوشد

جستارهایی در باب موسیقی مقامی در گفت و گویا پژوهشگر جوانی که حامل اطلاعات و خاطرات شنیدنی در حوزه تاریخ شفاهی زندگی استادان بزرگ موسیقی مقامی است

از بیرون مجلس خبر می داد که چیزی تاصبح نمانده. این گونه بود که گوش ها در خدمت شنیدن بودند تا اینکه پرهنر استاد سکوت را به بزم انگشتان روی تارها بشکنند و عطش خماری شان را پاسخ باشد. این روایت، حکایت یک شب و دوشب نبوده. در شمال و شرق خراسان موسیقی در همه ابعاد زندگی مردم جریان داشته از خنابندان و عروسی تا گندم درو و هر آیین دیگری. همین سنت ها هم در برخی نواحی زندگی استادان بنام را می چرخاند و گفته می شود که دوتاری ها به جبران این هنر شان، از خرمن گندم اربابی سهم می برند.

● **بخشی ها، آن چنان که بودند**

پژوهشگر جوان حوزه موسیقی مقامی می گوید: «زمانی که درباره بزرگان موسیقی صحبت می کنیم با انسان های خارق العاده ای مواجهیم چرا که وقتی کسی مقام بخشی پیدا می کند، که شاعر، سازنده آهنگ، نوازنده و خواننده یک قطعه نوساخته باشد. گفته می شود در برخی نواحی بخشی ها کارهایی را تحت عنوان شان اجتماعی شان مثل دعا دهی، شکسته بندی و دوزندگی لباس محلی می دانستند.» نبی دوست می گوید: «در نقطه مقابل هم شما تاثیر پر رنگ جامعه محلی را بر بخشی ها می بینید. یعنی اگر غمی در مقام ها هست، به این دلیل است که موسیقی نواحی متأثر از غم تاریخی قومی است که همیشه با جنگ و محرومیت و فقر و خشکسالی در نزاع بوده طبعاً همین غم هاست که بر دوش مقام های موسیقی سوار شده است. همه این حکایات به صورت داستان و گله ای سوزناک بر ملودی دوتار سوار می شده گویی که دوتار دهان باز کرده روایت می کند.»

● **استادان موسیقی مقامی به لحاظ اقتصادی به دوتار وابسته نیستند**

نبی دوست در باره راه های کسب درآمد استادان این حوزه می گوید: «در شمال خراسان رسم مبارکی وجود دارد که استادان به لحاظ اقتصادی به دوتار وابسته نیستند و به زراعت و کشاورزی مشغولند. آن ها معتقدند نواختن باید عشق آدم ها باشد نه اشتغال شان و همواره از آن برای تقویت قوه حس و شور خود وام می گرفتند.»



● **زمان، مکان، یاران**

«موسیقی شرق و شمال خراسان را باید در محفل هنر شناسان شنید» نبی دوست با این مقدمه می افزاید: «استاد غلامعلی پور عطایی سه عنصر را برای اجرای موسیقی لازم می داند: زمان، مکان و یاران که بر این باور که مستمع استاد اسر حال می آورد، صحه می گذارد. جمع موسیقی دوست که پیچ وخم پنجه استاد را بشناسد موجب می شود شور در نحوه نواختن استاد تجلی یابد.» نبی دوست می گوید: «هنر امری شخصی نیست، گرچه برخی از استادان در انزوا و تحت تاثیر جوشش درونیات از خود بی خود می شوند اما در حقیقت عرضه و ارائه است که به آن رسمیت می بخشد. این یعنی زمانی که شما فرست را اثر از موسیقی نواحی می گیرید، زایش آن را از میان برده اید.»

● **معلمان اخلاق**

داستان موسیقی مقامی داستان رفافت چندین ساله نوازندگان با دوتاری است که سال ها همدم آن ها بوده و از پنجه روان شان در بداهه نوازی ها شر می ریزد. نبی دوست در این باره می گوید: «استادان موسیقی مقام در واقع رسانه و معلم اخلاق ناحیه خود بودند و از طریق روزنه موسیقی اخلاقیات را به جامعه تزریق می کردند. این یکی از اثر گذارترین راه ها برای انتقال مفاهیم و موعظه های اخلاقی بوده است چرا که نوا و پویایی در این موسیقی جذابیت های ویژه ای را همراهش می کند.» او می گوید: «این بزرگان علاوه بر دعوت مدام به حق شناسی و رواداری موعظه هایی تحت تاثیر مصائب بومی هم می کردند. به طور مثال اگر ناحیه ای کم بارش و کم آب بوده مردم را به قناعت دعوت می کردند، همچنین اگر نزاع یا دشمنی بین قبایل صورت می گرفت، افراد را به سخت کوشی دعوت می کردند. دعوت به حق، زنده نگاه داشتن دل، صبر بر مصائب و مفاهیم دیگری از این دست، مفاهیمی است که لایه لای پندهای اخلاقی دوتار نوازان دیده می شود.»

● **پسرهایی که جاپای پدران شان نمی گذارند**

نبی دوست تمایل نداشتهن فرزندان استادان این حوزه به ادامه دادن راه پدرانشان را در کم شدن ارزش اجتماعی این افراد می بیند. او می گوید: «گلایه من از کم کاری نهادهای متولی در کم کردن دغدغه مالی این استادان در حالی است که این بزرگان شان جهانی دارند و فردی مثل زنده یاد حاج قربان سلیمانی با موسیقی اش به بسیاری از کشور های دنیا سفر کرده بود یا معروف است که درآمد حاصل از فروش بلیت های کنسرت استاد اسماعیل ستارزاده در ایتالیا از رقم کمک های مالی دولت انگلیس برای سیل میلان بیشتر شده بود. حالا شما فکر کنید که برای چنین چهره هایی کار به گلایه های معیشتی برسد، فکر کنید که بگویم چرافلان بزرگ موسیقی که چهره ای جهانی است، بیمه نیست؟»

مسعود نبی دوست، دانش آموخته رشته معماری و مدیریت فرهنگی است. او از سال ها پیش مسحور نوای خوش آهنگ موسیقی مقامی شده و با هدف جمع آوری تاریخ شفاهی این حوزه با استادان بزرگ موسیقی ارتباط و آشنایی پیدا کرده. او موسیقی مقامی را این گونه تعریف می کند: «آن چه ما به عنوان موسیقی مقامی، می شناسیم نوعی از موسیقی است که تمام افراد جامعه در شکل گیری و ارائه آن سهم دارند. این موسیقی از دل جامعه می جوشد. به بیان دیگر مقام های موسیقی نواحی، روایت های جامعه محلی است که به بهانه موسیقی ثبت و ضبط شده اند.»

● **طبیعت راوی صادق نواها**

موسیقی در پیوندی کهن با تاریخ و فرهنگ هر سرزمین حامل باورها و فرهنگ گذشتگان است که هار مونی اش با طبیعت و جغرافیای منطقه در هم می آمیزد و اثری می زاید که با عصیان گری جان افراد را به تلاطم می اندازد. نبی دوست در این باره می گوید: «ما در این آثار به خوبی انگشت اشاره طبیعت را می بینیم مشابه آن چه در هنر محلی متأثر از بوم همچون قالی بافی نواحی سراغ داریم به طوری که با شنیدن دوتار محمدرضا اسحاقی خنکای نفسی را که از روی امواج دریامی دمد بر چهره حس می کنید. در نقطه مقابل، نواختن خالوقنبر راستگو از استادان موسیقی هر مزگان، پرواز همگون بر بال مرغان دریایی را تداعی می کند.» نبی دوست در ادامه درباره موسیقی محلی خراسان می گوید: «موسیقی مقامی در خراسان به دو حوزه شرق و شمال تقسیم می شود. موسیقی ناحیه شرق، موسیقی بیابان و کویر است سرشار از گلایه و شکوه از نامرادی روزگار و بی وفایی خوبریانی که وفایشان به خلقتشان نیامده انگار. اجرای مقام هزارگی در بالا دسته و پایین دسته دوتار بسیار ماهرانه روی سیم دوم دوتار صحبت از فراق و دوری می کند این در حالی است که موسیقی شمال خراسان موسیقی دشت است و سبکبالی و طرب ناشی از عاشقی، رندی و دیدار یار را به گوش مخاطب می رساند.» کریم کریمی،

غلامحسین غفاری، غلام رسول صوفی، حسین عزیزی و... آخرین نسل میراث داران این موسیقی سینه به سینه اند که همیشه تاریخ به صورت شنیداری ارائه شده و حاملان آن بی آن که دانش آکادمیکی داشته باشند، آن را آموخته اند.»

● **موسیقی مانند آیین**

موسیقی در گذشته از زندگی مردم جدا تلقی نمی شده و هیچ گاه تعارضی با مناسبات فرهنگی، اجتماعی و مذهبی جوامع محلی نداشته است. این تاجایی است که برخی از استادان موسیقی نواحی، چهره های مذهبی سرزمین خود محسوب می شدند. در همین زمینه نبی دوست حکایتی از حاج قربان سلیمانی، چهره بنام موسیقی قوچان نقل به مضمون می کند که: «ایشان بعد از بازگشت از سفر حج به توصیه دوستی دوتار نوازی را ۲۰ سال کنار می گذارد. بعد از دودهام، به توصیه روحانی که باور داشت دوتار موسیقی معنوی است، حاج قربان دوباره شروع به نواختن دوتار می کند. ما از این سال های بازگشت مقام بحر طویل را به خاطر داریم شاهکار حاج قربان در وصف و نعت پیامبر (ص) پیش از دوران معاصر هم همین بوده و اگر به میراث موسیقی نواحی نظر کنیم، در هم تنیدگی باورهای دینی با این موسیقی مشهور است.»

● **مستمعان مشتاق**

حکایت مستمعان، حکایت شب دراز و چشم بیدار است، افرادی که موسیقی را می شناختند و تشنه شنیدن بودند. نبی دوست حکایتی را از قول روشن گل افروز با این مضمون نقل می کند: «استاد روشن تعریف می کردند که در کودکی ما وقتی مر حوم پدرم استاد حمرا گل افروز می خواست مقامی را در محفلی شبانه بنوازد، بی آن که نوازنده و مستمع متوجه باشند زمان می گذشت و یک دفعه کسی

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

چهارشنبه • ۱۳ مرداد ۱۴۰۰

۲۴ ذی الحجه ۱۴۴۲ • ۴ آگوست ۲۰۲۱

شماره ۲۰۷۲۴

۱۹۴۴

توصیه های ۷ گانه استفاده

از دوچرخه ثابت

سرزنش کنکوری های

ناموفق ممنوع

یک حادثه تلخ، یک کتاب و

موفقیت

«رضیه نازی، که در ۶ سالگی به دلیل تصادف پایش را از دست داده، در گفت و گویا ما از داستان زندگی اش می گوید

چرا به تازگی اخبار زیادی درباره

وقوع سیل در جهان می شنویم؟